



"صلح" در اوکراین، تشدید میلیتاریسم در اروپا

جنگ درازمدت و چند ساله در اوکراین خسارت‌های مالی و تلفات جانی زیادی ببار آورده است. تا کنون صدها شهر و روستا در اثر این جنگ، ویران شده اند. جنگ اوکراین صدها هزار کشته و زخمی برجای گذاشته و میلیون‌ها نفر را آواره و وادار به کوچ اجباری نموده است. اصرار بر ادامه‌ی جنگ، جزکشتار بیشتر، ویرانی گسترده تر شهرها و روستاها، آوارگی توده‌های مردم و فجایعی از این دست، معنای دیگری نخواهد داشت. پایان جنگ و کشتار و برقراری صلح در اوکراین، خواست توده مردم و تمام کسانی است که عموماً از میان زحمتکشان گزین می‌شوند، رخت ارتشی می‌پوشند و در صف مقدم جنگ، روانه قربانگاه و گوشت دم توپ سرمایه می‌شوند.

جنگ‌طلبان اروپایی که در تعقیب منافع و دست‌یابی به اهداف دولت‌ها و طبقه حاکم در این کشورها تنور جنگ را داغ نگاه داشته‌اند، برطیل جنگ می‌کوبند. جنگ‌طلب بزرگی در آمریکا که خود را صلح‌طلب می‌خواند و علاقه‌مند است "ناجی صلح" قلمداد شود درست در تعقیب منافع و اهداف دولت و طبقه حاکم در این کشور اما ندای "صلح" سر داده است. هر جا که منافع اقتصادی اقتضا کند، هر زمان که منافع سیاسی سرمایه ایجاب کند، همان‌جا باید اطلاق کرد. در صلح یا در جنگ، فرقی به حال سرمایه نمی‌کند. هر جا که منفعت بزرگی مهیا شده یا قرار باشد سود بیشتری نصیب صاحبان سرمایه کند، ارجحیت با همان خواهد بود. چه جنگ چه صلح و چه جنگ و صلح با هم!

طرح ۲۸ ماده ای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا پیرامون صلح اوکراین نیز از همین قاعده عمومی تبعیت می‌کند. این طرح که در اساس

در صفحه ۲

گزارشی کوتاه از آکسیون
روز جهانی
منع خشونت بر زنان
در شهر و
بندر روتردام هلند

در صفحه ۵

پاییز بی صدا، سرگذشت یک جنبش در آستانه‌ی روز دانشجو

جنبش دانشجویی در دی‌ماه سال ۹۶ با شعار ماندگار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا"، به میدان آمد. شعار دانشجویان دانشگاه تهران به خیابان‌ها رسید و بر زبان توده‌های جان به لب آمده، جاری گردید.

در سال ۹۷ جنبش دانشجویی با شعار "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" جانانه در کنار

در صفحه ۳

از دی ماه ۹۶ تا جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" در سال ۱۴۰۱، دانشجویان نقش بارزی در مبارزات انقلابی توده‌های تحت‌ستم ایران ایفا کردند. اما امروز دانشگاه‌ها به دلایلی چند به حاشیه رانده شده‌اند. روز دانشجو فرصتی است برای بازخوانی این مسیر پُرفرازونشیب. چگونه اوج گرفت، نقش آن چه بود و چرا اکنون از شعله فروزان آن دیگر خبری نیست؟

حجاب اجباری؛

هویت لرزان حکومت و میدان نزاع قدرت

۴

جنگ ناتمام اسرائیل و جمهوری اسلامی در لبنان

جمهوری اسلامی پس از شکست‌هایی که در طول دو سال گذشته در جریان جنگ اسرائیل در غزه، شکست حزب‌الله، از دست دادن سوریه و نیز جنگ دوازده روز متحمل شد، در طول چند ماه اخیر تلاش کرده است ضمن ترمیم صدمات نظامی داخلی، به بازسازی نیابتی‌های خود بپردازد که در جریان جنگ‌های دو سال گذشته

در صفحه ۶

رژیم‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و اسرائیل در پی اهداف توسعه‌طلبانه و هژمونی‌طلبانه خود، آرامش را از مردم منطقه خاورمیانه گرفته‌اند. این دو رژیم از آنجائی که نمی‌توانند یکدیگر را در یک جنگ مستقیم شکست دهند و هیچ‌یک امکان پیروزی قطعی بر دیگری را ندارد، نزاع خود را با برافروختن جنگ‌ها به درون کشورهای دیگر منطقه کشانده‌اند.

مرگ‌آفرینی آلودگی هوا

زنگ خطر آلودگی هوا که منتهاست در ایران به صدا در آمده، دیگر جنبه هشدار ندارد، چرا که به بحرانی ساختاری و مرگبار تبدیل شده که زندگی و جان میلیون‌ها تن را نشانه گرفته و هر روز نیز بر ابعادش افزوده می‌شود.

طبق آمار وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۹ هزار نفر جان خود را بر اثر آلودگی هوا در ایران از دست داده‌اند. به عبارت دیگر در هر ۹ دقیقه، یک نفر. باید در نظر داشت که این، تنها آمار رسمی است و نه واقعی!

طی هفته‌های اخیر بار دیگر بحران آلودگی هوا به اوج رسید و تهران روزها در صدر آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار گرفت. در بسیاری از دیگر مناطق کشور نیز وضعیت «ناسالم» برای تمامی گروه‌های سنی اعلام شد. طبق استانداردهای بین‌المللی هر چه شاخص آلودگی به صفر نزدیکتر باشد، هوا سالم‌تر و پاک‌تر است، اما در روزهای اخیر شاخص آلودگی هوای تهران در سایت‌های معتبر جهانی بین ۱۹۶ و ۲۳۳ اما در سایت‌ها و منابع داخلی عمدتاً پایین‌تر گزارش شده است.

به گفته عباس شاهسونی عضو هیئت علمی دانشگاه پزشکی بهشتی، آلودگی تهران در ۶ ماه اول سال جاری نسبت به بازه زمانی مشابه در ۱۴۰۳ تغییرات قابل توجهی کرده و تعداد روزهایی با شاخص

در صفحه ۸

در گرامی‌داشت شانزده آذر، نماد مبارزه با ارتجاع و استبداد

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

"صلح" در اوکراین، تشدید میلیتاریسم در اروپا

متمایل به مواضع روسیه بود، واکنش و نگرانی شدید اروپا و اوکراین را در پی داشت. اروپا این طرح را "مغایر منافع اوکراین" خواند. بر طبق این طرح اوکراین می بایست دونباس را به روسیه واگذار کند، ساختار ارتش خود را به ۶۰۰ هزار محدود کند، برد سلاح‌های دوربرد خویش را کاهش دهد و به صورت دائمی از عضویت ناتو چشم پوشی کند.

گرچه ترامپ هنگام ارائه این طرح هشدارهایی نیز به زلنسکی داده بود که اگر آن را نپذیرد، کمک‌های خود را کاهش خواهد داد و حتی برای پذیرش و اجرای آن ضرب‌الاجل تعیین کرده بود، اما در برابر واکنش و مخالفت شدید اروپا و اوکراین، کوتاه آمد. بدنبال آن در جلساتی که روز یکشنبه دوم آذر (۲۳ نوامبر) در ژنو با حضور چندین نماینده از اوکراین، رومانی و ویتکاف از آمریکا، "مشاوران ملی" از کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه و برخی کشورهای دیگر مانند ایتالیا برگزار شد، پس از جرح و تعدیل طرح ترامپ، یک طرح ۱۹ ماده ای به تصویب رسید که همگی طرف‌ها جز اروپا، البته با الحان گوناگون آن را تأیید کرده‌اند. موضع اروپا در قبال این طرح گرچه نرم‌تر و متفاوت است با موضع آن در قبال طرح پیشین، اما هنوز از مخالفت‌های رسمی میزانیست.

هیئت اوکراینی که گزینه دیگری جز پذیرش خلاصه شده‌ی طرح و شرایط ترامپ ندارد که در طرح ۱۹ ماده‌ای انعکاس یافته و آشکارا نزدیک به مواضع پوتین است، مذاکرات ژنو را "واقع‌بینانه" توصیف کرد. در بیانیه مشترک آمریکا و اوکراین نیز گفته شد این مذاکرات به یک "چارچوب صلح به روز" منجر شده است. پوتین نیز در مورد طرح ۱۹ ماده‌ای گفت: طرح پیشنهادی ترامپ در این شکل می‌تواند مبنای مذاکرات صلح اوکراین باشد. وی گفت این طرح قابلیت‌های تبدیل شدن به پایه‌ای برای یک توافق سیاسی را دارد. "یوری اشکاف" مشاور ارشد سیاست خارجی روسیه نیز گفت: "بسیاری از مفاد" طرح قابل قبول است و برخی موارد نیز نیازمند بازنگری است.

اروپا که اساساً طرفدار ادامه جنگ اوکراین است، جنگی که البته فاقد تلفات جانی برای اروپاست و قربانیان آن مردم اوکراین هستند، اما در موقعیتی گرفتار آمده که نمی‌تواند سیاست‌های خود را تمام و کمال پیش ببرد و از قبول "صلح" پیشنهادی، در دراز مدت طفره رود. به‌ویژه آنکه اولاً مردم اوکراین و مردم جهان خواهان پایان جنگ و خواهان صلح‌اند. ثانیاً اوکراین توانایی ادامه جنگ و مقابله با روسیه را ندارد و ادامه جنگ به معنای شکست‌های بیشتر اوکراین خواهد بود. ثالثاً اروپا می‌داند که یک قدرت تعیین

کننده‌ی حامی اوکراین یعنی دولت آمریکا، فعلاً خواهان ادامه جنگ نیست و زلنسکی نمی‌تواند سیاست‌های دیکته شده ترامپ را نادیده گرفته و از فرامین عتاب‌آلود وی سرپیچی کند. رابعاً اینکه در خود اروپا نیز به‌خاطر فساد گسترده در دم و دستگاه زلنسکی، انگیزه حمایت از اوکراین تا حدی کاهش یافته و بسیاری از حامیان اروپایی زلنسکی دیگر نمی‌توانند یا نمی‌خواهند مانند گذشته بر ادامه کمک به وی پافشاری کنند. فساد در دستگاه حکومت زلنسکی بسیار عمیق و گسترده است. اخیراً نیز به دنبال برملا شدن یک پرونده بزرگ فساد "آندری یرماک" رئیس دفتر زلنسکی، وی از مقام خود استعفا کرد (۷ آذر). آندری یرماک ریاست هیئت مذاکره با دولت آمریکا را برعهده داشت و مهم‌ترین عضو این هیئت بود. پیش از آن نیز رسوایی و پرونده فساد و دزدی در بخش‌های مختلف از جمله در دستگاه قضایی و بخش انرژی برملا شده بود.

بهرغم این، اروپا بیش از آنکه به صلح در اوکراین بیندیشد، در فکر تشدید فشار بر روسیه و ادامه جنگ است. آلمان و فرانسه به ارسال تسلیحات و کمک‌های نظامی به اوکراین ادامه داده‌اند. انگلیس تجهیزات پیشرفته موشکی بیشتری به اوکراین فرستاده و موشک‌های کروز برای انجام عملیات در خاک روسیه در اختیار زلنسکی قرار داده است. فرانسه خواهان ایجاد یک "ارتش قوی" و بدون "محدودیت" برای اوکراین شده و مکرون از استقرار "نیروهای تضمین" مرکب از سربازان انگلیس، فرانسه و ترکیه بلافاصله بعد از امضای توافق صلح بین روسیه و اوکراین سخن گفته است. رئیس کمیسیون اروپا "اورسلا فون در لاین" می‌گوید، اروپا به تحریم و تشدید فشار علیه روسیه ادامه خواهد داد و اوکراین از محل "دارایی‌های مسدود شده روسیه" تأمین مالی خواهد شد.

مستقل از تمام این تحولات و موضع‌گیری‌ها و مستقل از ادامه گفتگوهای چند جانبه میان طرف‌های درگیر پیرامون "صلح" در اوکراین، جنگ در اوکراین با همان حثت قبلی حتی شدیدتر از آن ادامه دارد و روسیه بر حملات خود افزوده است. کمک‌های نظامی، مالی و تسلیحاتی اروپا به اوکراین نیز ادامه دارد. سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه، افزون بر تقویت موقعیت نظامی اوکراین، به تقویت و تحکیم موقعیت و امکانات نظامی و جنگی خویش و میلیتاریسم بیشتر روی آورده‌اند. بودجه و هزینه نظامی در این کشورها نیز به شدت افزایش یافته است.

در آلمان هزینه‌های نظامی در سه سال منتهی به اکتبر ۲۰۲۴، هرسال افزایش یافت و به ۸۸ / ۵ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل از آن

۲۸ درصد افزایش داشت. همین سال هزینه‌های نظامی در انگلستان با ۸ / ۲ درصد افزایش، به ۸۱ / ۸ میلیارد دلار و در فرانسه، هزینه نظامی با بیش از ۶ درصد افزایش به ۶۴ / ۸ میلیارد دلار رسید. تنها در سال ۲۰۲۴ آلمان ۷ / ۷ میلیارد دلار به اوکراین کمک مالی و نظامی ارائه کرد که پس از آمریکا مقام دوم را داشت. همین سال کمک‌های انگلستان به ۳ / ۳ میلیارد دلار رسید، در عین حال انگلستان متعهد شده است تا سال ۲۰۳۰ سالانه مبلغ ۸ / ۳ میلیارد دلار به اوکراین کمک کند. فرانسه نیز متعهد شده است سالانه تا سقف ۳ میلیارد دلار به اوکراین کمک کند. هزینه‌های نظامی کل اروپا در سال ۲۰۲۴ با رشد ۱۷ درصدی به ۶۹۳ میلیارد دلار رسید. در روسیه و اوکراین نیز اوضاع تقریباً بر همین منوال بود. هزینه‌های نظامی روسیه در سال ۲۰۲۴ بیش از ۱۴۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود. در اوکراین این هزینه‌ها به ۷ / ۶۴ میلیارد دلار رسید و در همان حال دست کم ۶۰ میلیارد دلار کمک دریافت نمود.

تقویت میلیتاریسم در اروپا، حمایت همه جانبه قدرت‌های اروپایی از اوکراین و تسلیح آن به انواع سلاح‌های پیشرفته اما تغییر در مواضع و اهداف روسیه ایجاد نکرده است. پوتین مکرر اعلام نموده اگر اوکراین شرایطی را نپذیرد، با زور و به وسیله جنگ شرایط خود را که فشرده آن در طرح ۱۹ ماده‌ای "صلح" نیز بیان شده بر زلنسکی تحمیل خواهد کرد. ترامپ نیز در این موضوع و موضع‌گیری با پوتین همراه و هم‌نظر است. بسیار بعید است که روسیه به کمتر از دنباس و منع قطعی عضویت اوکراین در ناتو رضایت دهد. صرف نظر از اینکه ممکن است در ازای تحقق خواست‌های اصلی، از برخی مناطق کم اهمیت‌تر تحت تصرف خود عقب نشینی و آن را به اوکراین واگذار کند، اما از اهداف اصلی خود کوتاه نخواهد آمد. ترامپ نیز در قبال زیاده خواهی‌های پوتین عجلاناً دست به اقدام خاصی نخواهد زد. پوتین به احتمال زیاد در توافقات پنهانی خود با ترامپ و اعطای برخی امتیازات، توافق و همراهی وی را بدست آورده است. بیهوده نیست که ترامپ مکرر از زلنسکی خواسته است شرایط پوتین را بپذیرد.

اروپا نیز گرچه دنبال اهداف و منافع خویش است و به میلیتاریسم بیشتر روی آورده است، اما در توازن قوا و شرایط موجود، به نظر نمی‌رسد راه دیگری جز پذیرش طرح "صلح" ۱۹ ماده‌ای را داشته باشد و به احتمال زیاد آن را خواهد پذیرفت. این موضوع اما نافی ادامه کمک‌های اروپا به اوکراین و پایان کشمکش و تخصم با روسیه نیست. رویکرد اروپا به‌ویژه سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه به میلیتاریسم بیشتر حاکی از آن است که جنگ، ولو در اوکراین متوقف و "صلح" برقرار شود، خطر آغاز مجدد آن و برافروخته شدن شعله‌های جنگ وجود خواهد داشت.

پاییز بی صدا، سرگذشت یک جنبش در آستانه‌ی روز دانشجو

طبقه کارگر قرار گرفت. دانشجویان نمایش‌های خیابانی با مضامین کارگری برپا کردند و هم صدا با کارگران هفت‌تپه فریاد برآوردند "نان، کار، آزادی، اداره شورایی".

در ادامه‌ی مرزبندی با اپوزیسیون‌های رنگارنگ بورژوازی با شعارهایی همچون "نه شاه می‌خوایم نه رهبر - نه بد می‌خوایم نه بدتر" که از دی ماه ۹۶ سر داده شده بود، در اردیبهشت ۹۸ و در اعتراض به حجاب اجباری، یکی با دوربین یکی با چماق، دو سوی یک ارتجاع، علیه زنان، با اپوزیسیون‌های وابسته به دولت‌های امپریالیستی که تلاش می‌کردند، بدنه اصلی جنبش دانشجویی را سانسور کرده و با وارونه‌سازی حامی خود نشان دهند، مرزبندی قاطع کردند.

در آبان ۹۸ به قیام مردم پیوستند و دست به اعتراض زدند. در دانشگاه امیرکبیر درگیری شدیدی بین دانشجویان و مزدوران رژیم رخ داد. در حالی که سنگفرش خیابان‌ها هنوز از خون سرخ عزیزان سرفراز این مردم رنگین بود و هزاران نفر در بند و اسارت بودند، به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو، دانشجویان چندین روز از جمله در دانشگاه‌های تهران، علامه، امیرکبیر، هنر، نوشیروانی بابل، اصفهان و کردستان با شعارهایی همچون "فقر، کشتار، گرانی - مردم شدن قربانی"، "ایستاده‌ایم در سنگر - دانشجو و کارگر"، "از هفت‌تپه تا تهران - زحمتکشان در زندان"، "دانشجو، کارگر، اتحاد اتحاد"، "ایران، لبنان، فرانسه - سرکوب و غارت بیه"، "ثروت که در جهان است - از رنج کارگران است"، "از هفت‌تپه تا پاریس - ای کارگر به‌پاخیز"، یک روز فراموش نشدنی را به نمایش گذاشتند. آن‌ها ضمن سر دادن شعارهای ضد سرمایه‌داری، همچنین با تمامی جریان‌های رنگارنگ بورژوازی داخل و خارج از کشور مرزبندی کردند که موجب عصبانیت و واکنش آن‌ها گردید.

در پی سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی و قتل عائدانه‌ی تمامی مسافران و خدمه آن توسط جمهوری اسلامی، ۲۱ دی‌ماه (بعد از اعتراف رسمی جمهوری اسلامی به سرنگونی هواپیمای) هزاران نفر در برابر دانشگاه امیرکبیر و زیر پل حافظ دست به تظاهرات زدند. "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" شعاری بود که آن روز دانشجویان در میان مردم پراکنند و فراگیر شد، شعاری که بعدها نیز بارها تکرار گردید.

فراز بعدی بزرگ جنبش دانشجویی نقش و شرکت آن‌ها در جنبش انقلابی بزرگ "زن، زندگی، آزادی" بود. درست یک روز بعد از خاکسپاری ژینا، تظاهرات در دانشگاه‌ها با شعار "زن، زندگی، آزادی" آغاز گردید. ۹ مهرماه فراخوان اعتصاب از سوی دانشجویان دانشگاه تهران صادر شد. در مدتی کوتاه بیش از ۱۱۰ دانشگاه به اعتصاب سراسری پیوستند. دانشجویان تفکیک‌های جنسیتی در سلف‌های دانشگاه‌ها را با قدرت در هم کوبیدند. در چهلمین روز جان باختن ژینا بار دیگر حدود ۵۰ دانشگاه با شعارهایی هم چون "زن، زندگی، آزادی" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" به

اعتصاب روی آوردند. در جریان حمله وحشیانه به دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران (شریف) در روز ۱۰ مهر، بسیاری از دانشجویان زخمی و دستگیر شدند.

بمطور کلی، در جریان جنبش "زن، زندگی، آزادی"، تعدادی از دانشجویان به دست مزدوران رژیم به قتل رسیدند، تعداد بیشتری مجروح شدند و بسیاری دستگیر و به بند کشیده شدند. تعداد زیادی نیز اخراج و تبعید و تعلیق شامل حال‌شان گردید. به‌رغم حضور وسیع گروه‌های مختلفی از جامعه، نقش زنان و دانشجویان در این جنبش انقلابی بزرگ بی‌همتا بود و به یاد داشته باشیم که در میان دانشجویان نیز نقش زنان بسیار پررنگ بود.

افت جنبش دانشجویی بعد از ۱۴۰۱

پس از فروکش کردن جنبش "زن، زندگی، آزادی"، جمهوری اسلامی سرکوب و تشدید جو امنیتی در دانشگاه‌ها را در دستور کار قرار داد. نقش بارز دانشجویان از سال ۹۶ تا آن زمان، رژیم را بر آن داشت تا جو دانشگاه‌ها را با استفاده از ابزارهای گوناگون کنترل کند. صدور احکام سنگین قضایی، محرومیت از تحصیل، اخراج و تعلیق و از همه مهم‌تر کنترل حجاب و خوابگاه‌های دانشجویی در دستور کار رژیم قرار گرفت. رژیم "حجاب‌بانان" را وارد دانشگاه کرد و به حراست دانشگاه‌ها اختیارات گسترده‌ای داد. حضور دائمی "حجاب‌بانان" برای تمهیل حجاب اجباری و کنترل روابط دانشجویان دختر و پسر، همچنین برای ایجاد تشدید جو خفقان در دانشگاه‌ها بود. از دیگر تاکتیک‌های رژیم وارد کردن عناصر خودی به دانشگاه تحت عنوان دانشجو بود، چه مزدوران داخلی و چه مزدورانی از کشور عراق تحت‌عنوان مضحک "بوسیه".

کار به جایی رسیده بود که حراست شبانه به اتاق‌های خوابگاه‌های دخترانه وارد شده و دست به تفتیش وسایل دانشجویان حتا کیف آن‌ها می‌زد. پخش مداوم نوحه‌ها و سرودهای حکومتی در محوطه دانشگاه، نصب دوربین با حسگر چهره در محوطه‌ی دانشگاه‌ها از دیگر روش‌های رژیم برای کنترل سنگین فضای دانشگاه‌ها بود.

در سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ اعتراض‌های دانشجویی عمدتاً محدود به مسائلی همچون کیفیت و قیمت غذای سلف و خدمات رفاهی بود. در این سال البته شاهد محدود مواردی همچون تجمع دانشجویی دانشگاه تهران در مهرماه آن سال با شعارهایی همچون "زن، زندگی، آزادی" و "نه پادگان، نه بنگاه؛ درود بر دانشگاه" بودیم. ماجرای دختر علوم تحقیقات که با درآوردن لباس تبدیل به نماد اعتراض به فشارهای حراست برای اعمال حجاب اجباری تبدیل شد، در همین سال رخ داد. یکی از نکات این سال تحصیلی البته افزایش فعالیت شوراهای صنفی دانشگاه بود که هدایت اعتراضات صنفی را برعهده داشتند.

سال تحصیلی جاری نیز تاکنون ادامه روند دو سال اخیر بوده است، اگرچه متاثر از شرایط

جامعه تا حدودی شاهد جنب و جوش بیشتر در دانشگاه‌ها هستیم. برجسته‌ترین حرکت دانشجویی در سال تحصیلی اخیر نیز اعتراضات ادامه‌دار دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی است که از ۶ مهر با تجمع در پردیس ونک آغاز گردید. خواست‌های دانشجویان گرچه عموماً صنفی بودند (از وضعیت و بهای غذا و خوابگاه تا شهریه و دیگر خدمات رفاهی تا موضوع اخراج)، اما شعارها و بیانیه‌ها رنگ و بوی سیاسی داشتند. شعارهایی چون "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" و یا "دانشگاه سنگره، اخراج اثر نداره". عدم پاسخگویی مقامات دانشگاه به خواست‌های دانشجویان پس از دوره‌ای از اعتراضات در پردیس‌ها و خوابگاه دانش، در ۱۵ مهر به تجمع بزرگ دانشجویان در لابی دانشکده برق پردیس بدیل گردید. "نه پادگان، نه بنگاه - درود بر دانشگاه" از جمله شعارهای دانشجویان در این تجمع بود.

اعتراضات دانشجویان خواجه نصیر بعد از تحصن دانشجویان در لابی دانشکده ریاضی در ۲۹ مهر فروکش کرد. احضار دانشجویان، تماس با شماره‌های ناانسانس، تشکیل پرونده انضباطی از جمله اقدامات رژیم برای پایان دادن به اعتراضات دانشجویان بود. از جمله اعتراضات دانشجویی در سه ماهه اخیر می‌توان به اعتراضات دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا همدان، دانشکده پرستاری ایذه، دانشگاه فرهنگیان زنجان، دانشگاه تربیت مدرس، خوابگاه ولیعصر دانشگاه تبریز، اشاره داشت.

اگرچه در سال تحصیلی جاری نیروهای "حجاب‌بان" دیگر در دانشگاه‌ها حضور ندارند و در اغلب دانشگاه‌ها فشار در رابطه با حجاب از سوی حراست کاسته شده، اما واقعیت این است که دانشگاه‌ها در سکوت پاییزی بسر می‌برند.

امروز دانشجویان و دانشگاه‌ها در کجا ایستاده‌اند؟

سکوت کنونی دانشگاه‌ها نتیجه‌ی عواملی چند است. یکی از این عوامل جو سنگین امنیتی و سرکوب است که رژیم بعد از جنبش انقلابی ۱۴۰۱ در دانشگاه‌ها حاکم کرد. چماق اخراج، تعلیق و زندان همچنان بالای سر دانشجویان قرار دارد. برخی از دانشجویان در اثر ناامیدی و یا عواملی دیگر دست به مهاجرت زدند. واقعیت این است که ناامیدی در بخش‌هایی از جامعه تاثیر خود را گذاشته است، از جمله در میان دانشجویان.

تغییر ترکیب دانشجویان دانشگاه نیز یک عامل مهم دیگر است. جدا از مزدوران ایرانی و خارجی رژیم که به عنوان بورسیه و غیره وارد دانشگاه‌ها شدند تا جو دانشگاه‌ها را کنترل کنند، مشکلات اقتصادی فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه به یک مانع بزرگ برای ورود آن‌ها به دانشگاه‌ها بدل گشته است. تاثیری که نباید از آن غافل شد. یک جنبش دانشجویی زنده و پویا وقتی می‌تواند اثرگذار باشد که ریشه در جامعه داشته و با جنبش‌های زحمتکشان جامعه همچون کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان پیوند داشته باشد.

آمار قبول‌شدگان کنکور نشان می‌دهد که سیر جا ماندن فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان

حجاب اجباری؛ هویت لرزان حکومت و میدان نزاع قدرت

می‌توانند روی آن مانور دهند «انتقاد از روش‌ها» و ضرورت پایبندی به «هنجار میانی» است، نه زیر سؤال بردن اساس حجاب اجباری.

در میانه این جنجال‌ها، خامنه‌ای در سخنرانی تلویزیونی خود آب سردی بر سر «تندروها» ریخت و خطاب به «ملت» گفت: «از دولت و رئیس‌جمهور حمایت کنید.» این جمله اگرچه به ظاهر حمایتی از پزشک‌ها بود، اما تأکید بر «حمایت» بیشتر، تلاشی بود برای جلوگیری از تشدید شکاف درونی و مهار جناح‌هایی که با بحران اقتصادی و کسری بودجه شدید در حال تَمَرّد از دولت‌اند.

یک روز پس از این سخنان، علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی و یکی از چهره‌های اصلی جریان تندرو، در نماز جمعه، ایران را «زادگاه مقاومت» نامید و هشدار داد: «اگر فضای کشور به سمت گسترش منکرات، بی‌حجابی و رفتارهای ناهنجار پیش برود، بستر مقاومت از ایران گرفته می‌شود و با خاموش شدن مقاومت در ایران، این جریان در همه جای جهان افول می‌کند. دشمن این را فهمیده و به همین دلیل یک جبهه تازه علیه ما گشوده است.»

او خطاب به خامنه‌ای گفت: «اگر می‌گویید برای حفظ وحدت باید به دولت احترام گذاشت، دولت هم باید رعایت ما را بکند... رهبری نیز بارها فرمان داده‌اند که وحدت باید حفظ شود، اما سوال این است که چگونه؟ برای حفظ وحدت باید هر دو جهت رعایت شود؛ هم باید جلوی برخوردهای خشن گرفته شود، و هم نباید عواطف دینی مردم در برابر صحنه‌های علنی فساد و بی‌حجابی لگدمال شود.»

این جملات از سوی نماینده خامنه‌ای در خراسان، نشان داد در ساختار قدرتی که در حال چندپاره شدن است، سخنان خامنه‌ای برای بخش‌هایی از حاکمیت و حتی نزدیکترین افراد به او، نه دستور و لازم‌الاجرا، بلکه نظر یا توصیه است که می‌توان آن را نادیده گرفت.

اظهار نظر علم‌الهدی و سایر امامان جمعه در وصف ضرورت حجاب اجباری، همزمان بود با راهپیمایی حجاب در تهران و حضور قآنی در آن. تظاهرات را سازمان تبلیغات اسلامی سازمان داده بود و اسماعیل قآنی، فرمانده سپاه قدس، در تجمع شرکت داشت. او نماینده جریان نظامی-برون‌مرزی‌ای است که هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از جمله حجاب را ابزار مشروعیت و نفوذ منطقه‌ای می‌داند. پیام این حضور روشن بود: دستکم بخشی از دستگاه امنیتی به دنبال بازگرداندن فضای سرکوب است.

حکومت می‌کوشد مسئله را امنیتی و «اخلاقی» جلوه دهد، اما واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید. نظم حجاب اجباری در جامعه فروریخته و وضعیت پوشش در ایران به مرحله‌ای رسیده که قابل بازگشت نیست. زنان و دختران دبیرستانی و دانشگاهی، زنان کارگر و کارمند، و حتی زنان در شهرهای مذهبی در سبک پوشش تحولاتی ایجاد کرده‌اند که نه با گشت ارشاد و نه با ضرب سرکوب حجاب‌بانان قابل مهار نیست.

رویدادهای سال ۱۴۰۱ و جنبش «زن، زندگی، آزادی» نقطه عطفی بود که هویت ایدئولوژیک

جریان اصولگرا با اتکاء به این فایل صوتی، به کابینه پزشک‌ها تاخت. آن‌ها مدعی شدند سه عضو کابینه با «دستور رهبری» درباره حجاب مخالف‌اند؛ ادعایی که رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت آن را «کذب محض» خواند و افزود «مدتی پیش از آن‌که دستور رهبری در این رابطه به دولت ابلاغ شود، آقای ضرغامی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور، نکاتی را در بحث حجاب و راه‌های ارتقای سلامت جامعه از این حیث مطرح کرده‌بود و آقای پزشک‌ها هم پس از مطالعه نامه آقای ضرغامی، موضوع را جهت رسیدگی، به بنده و آقای صالحی، وزیر ارشاد ارجاع کردند.» لباس حضرتی اما افزود «رئیس‌جمهور و کابینه با شیوه‌های قهری گذشته همچون گشت ارشاد و حجاب‌بان مخالفند و روش‌های جدید و عقلانی در دستور کار است.» واقعیت این است که مسئله نه اختلاف بر سر حجاب، بلکه نزاع بر سر بودجه، رانت و قلمرو قدرت در درون جمهوری اسلامی است.

حجاب اجباری صنعت بزرگ و پردرآمدی برای نهادهای مذهبی، امنیتی و نظامی ایجاد کرده است: از یارانه‌های تولید و واردات چادر مشکی تا بودجه‌های چند صد میلیاردی نهادهای امر به معروف، درآمد‌های گسترده صداوسیما از پروژه‌های تبلیغاتی و شبکه تأمین مالی گروه‌های فشار.

یکی از کلیدی‌ترین دلایل بازگشت موضوع حجاب، مسئله پول و رانت است. نهادهای مذهبی، امامان جمعه، گروه‌های امر به معروف و بسیاری از شبکه‌های تبلیغاتی وابسته به نظام، بودجه‌هایی دارند که در دوره کسری بودجه دولت در معرض کاهش قرار گرفته است.

«اصلاح‌طلبان» در این میان در موقعیتی دوگانه قرار دارند. آذر منصوری رئیس جبهه اصلاحات در عین اعتقاد به حجاب اجباری، از «ضرورت رواداری» سخن می‌گوید و هشدار می‌دهد که بازگشت به سیاست‌های گذشته «منجر به بحرانی ویرانگرتر» خواهد شد. اما «اصلاح‌طلبان» خود در ۸ سال دولت روحانی نتوانستند کوچک‌ترین تغییری در قانون حجاب ایجاد کنند و تنها برگ باقی‌مانده در دست‌شان همین است که وعظ کنند «با خشنونت مشکل حل نمی‌شود». اما همین جریان نیز راهکار عملی ندارد.

محمد مهدی تندگویان ناکارآمدی شورای عالی انقلاب فرهنگی را مثال زده و خواستار انحلال این نهاد شده است.

عباس عبدی از نظریه‌پردازان اصلاح‌طلب حکومتی هم، ضمن انتقاد از «تندروها»، خواستار پایبندی حکومت به «هنجار میانی» شد.

اختلاف اصلاح‌طلبان با اصولگرایان نه بر سر اصل حجاب اجباری، بلکه بر سر شیوه اجرای آن است؛ نرم یا سخت. اصلاح‌طلبان در دو دهه اخیر در مقابله با جناح رقیب در دو زمینه مانور داده‌اند؛ خواست رفع محدودیت اینترنت و خواست انحلال گشت‌های حجاب. با رسوایی «اینترنت سفید» آخرین برگ اعتماد اجتماعی اصلاح‌طلبان نیز سوخت. اکنون تنها چیزی که

در روزهایی که کشور با بحران‌های فزاینده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛ از نبود آب و برق، آتش‌سوزی جنگل‌های هیرکانی گرفته تا گرانی مرحله‌ای بنزین، سقوط ارزش پول ملی، گسترش فقر شدید و وضعیت به شدت پیچیده رژیم در مناسبات خارجی دست‌به‌گریبان است، انتشار یک فایل صوتی ۱۱ دقیقه‌ای «فوق محرمانه» درباره حجاب اجباری، پرده‌ای از شکاف‌های درونی حاکمیت را نیز بالا زد: از گزارش «دردناک» وزارت اطلاعات به خامنه‌ای درباره گسترش بی‌حجابی تا سفارش برای اجرای «قانون عفاف و حجاب» با چراغ خاموش.

انتشار این فایل نه اتفاقی است و نه با هدف افشاکاری صرف صورت گرفته است، بلکه کارکرد آن اقدامی هدفمند برای تقویت دست جریان‌های «تندرو» در تنظیم میدان سیاسی است که در رقابت با کابینه پزشک‌ها به دنبال تثبیت جایگاه خود و حفظ رانت‌های گسترده نهفته در ساختار حجاب اجباری‌اند. در این میان، حجاب بار دیگر به ابزاری تبدیل شده است برای تعیین حدود قدرت درون حاکمیت، بسیج پایگاه سنتی نظام، و مهندسی موازنه نیروها درون دولت و البته به بهای سرکوب زنان و تلاش برای بازپس‌گیری آن چه زنان در سال‌های اخیر به دست آورده‌اند.

فایل صوتی منتشرشده حاوی سخنان فردی است که خود را رابط میان وزارت اطلاعات و نهادهای مذهبی معرفی می‌کند. او توضیح می‌دهد که وزیر اطلاعات در گزارشی مفصل به رهبر جمهوری اسلامی نوشته که «وضعیت عفاف و حجاب بحرانی است» و این گزارش از سوی خامنه‌ای «دردناک و تکان‌دهنده» خوانده شده است. بر اساس این فایل، در حال حاضر «طرح عفاف و حجاب روی میز نظام است، اما قرار نیست علناً اعلام شود». به بیان دیگر، حکومت قصد دارد بخشی از مفاد قانونی را که با تأیید شورای امنیت ملی مسکوت مانده است، بدون سر و صدا و بدون بازگرداندن رسمی گشت ارشاد اجرا کند؛ همان چیزی که امروز در برخی شهرها از جمله تهران به شکل برخوردهای موردی، فشارهای انتظامی و دستورالعمل‌های داخلی نهادهای امنیتی دیده می‌شود.

فرد گوینده از آموزش حجاب‌بانان توسط سپاه در قم نیز سخن می‌گوید، و این خود نشان می‌دهد که پرونده حجاب از یک موضوع «فرهنگی» فراتر رفته و به عرصه تقسیم قدرت میان نهادهای امنیتی و نظامی تبدیل شده است.

چند روز بعد از انتشار فایل، نماینده قم در مجلس عملاً مضمون آن را تأیید کرد. او گفت سخنان اخیر خامنه‌ای درباره حجاب «مسئولان را تکان داده» و تأکید کرده که «حتی برخی افراد مؤمن» هم دیگر به ضرورت حجاب اعتقاد عملی ندارند و باید «با گفت‌وگوی اقناعی با این افراد» مواجه شد. او به این ترتیب، ناخواسته بخشی از حقیقت را آشکار کرد: فروپاشی اعتقاد مذهبی نسبت به حجاب اجباری و معیارهای جمهوری اسلامی حتی در میان نیروهای متدین داخل نظام.

پاییز بی صدا، سرگذشت یک جنبش در آستانه‌ی روز دانشجو

جامعه از تحصیلات عالی به صورت تصاعدی در حال افزایش است و این به نوبه‌ی خود تأثیر خود را در خواست‌ها و نگرش دانشجویان ورودی سال‌های اخیر برجا می‌گذارد. حتا آن گروه از دانشجویانی که از میان کارگران و زحمتکشان جامعه به دانشگاه می‌رسند، برای تأمین هزینه‌های‌شان مجبور به کار در کنار تحصیل هستند که این نیز تأثیرات خاص خود را در میان این گروه از دانشجویان می‌گذارد که یکی از آن‌ها محدودیت در فعالیت‌های سیاسی است.

اما به رغم همه‌ی این عوامل تأثیرگذار نباید فراموش کرد که یک چیز دانشجویان را به جامعه پیوند می‌دهد و آن خواست آزادی است. این خواستیست که عموم مردم ایران از کارگران تا دیگر گروه‌های جامعه در آن مشترک هستند. به این مساله این را نیز باید اضافه کرد که فضای سیاسی دانشگاه‌ها از جامعه تأثیر می‌پذیرد. در اغلب موج‌های قبلی هم‌چون دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ جنبش از دانشگاه‌ها آغاز نشد، اما دانشگاه‌ها به سرعت به آن پیوستند. در یک کلام می‌توان گفت که اگرچه امروز نمی‌توان از یک جنبش دانشجویی واقعی و زنده در دانشگاه‌ها سخن گفت، اما این نیز واقعیت دارد که یک پتانسیل بزرگ در دانشگاه‌ها وجود دارد که در شرایطی متفاوت می‌تواند دانشگاه‌ها را به یک عرصه مهم نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کند. بیانیه دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر در جریان تجمع ۲۹ آبان یک نمونه از این پتانسیل خفته است.

در بیانیه می‌خوانیم: «ما، فرزندان دانشگاه، وارثان نسلی هستیم که سال‌ها برای آگاهی و آزادی ایستاده‌اند. دانشگاه همیشه سنگر اندیشه و روشنگری بوده است؛ جایی که پرسیدن و اعتراض کردن جرم نیست، بلکه نشانه‌ی زیستن آگاهانه است.

دانشگاه را نمی‌توان با پول اداره کرد و با ترس ساکت نگه داشت. دانشگاه با آزادی زنده است؛ با حق انتقاد، با امید به تغییر، با صدای جمعی دانشجویان.

ما ادامه‌دهنده‌ی راه نسل‌هایی هستیم که دانشگاه را سنگر آگاهی ساختند و در سخت‌ترین سال‌ها چراغ آزادی را روشن نگه داشتند. امروز نیز همان صدا را تکرار می‌کنیم: دانشگاه سکوت نخواهد کرد.

تا روزی که عدالت و آزادی در این سرزمین ریشه بواند، ما ایستاده‌ایم — جمعی، آگاه و آزاد».

زنده باد سوسیالیسم

گزارشی کوتاه از آکسیون روز جهانی منع خشونت بر زنان در شهر و بندر روتردام هلند

برابر فراخوان کمیته برگزارکننده روز جهانی منع خشونت بر زنان در هلند، فعالین سازمان ما به همراه دیگر نیروهای چپ و کمونیست هلندی، ایرانی و غیره در این آکسیون که عصر ۲۵ نوامبر از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در جلوی ایستگاه مرکزی قطار بندر روتردام برگزار شد، شرکت داشتند. فعالین سازمان در این آکسیون همیستگی خود

را با مبارزه علیه خشونت، تبعیض، مردسالاری، فاشیسم و جنگ اعلام کردند. شعار محوری آکسیون همین حالا خشونت علیه زنان را متوقف کنید، بود. در این آکسیون بیانیه کمیته برگزارکننده و دیگر نیروها خوانده شد. بخش دیگری از این آکسیون اجرای سرود و ترانه‌هایی به این مناسبت بود.

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) — هلند



از صفحه ۴

حجاب اجباری؛ هویت لرزان حکومت و میدان نزاع قدرت

اما جامعه وارد مرحله‌ای برگشت‌ناپذیر شده است. پس از اعتراضات و تجربه‌های جمعی سال‌های اخیر، آزادی پوشش دیگر تنها مطالبه‌ای فردی نیست، بلکه بستری برای مطالبه آزادی‌های سیاسی، حق انتخاب سبک زندگی و حق مالکیت بر بدن و رفع ستم جنسی و جنسیتی شده است. مقاومت زنان در برابر اجبار، امروز نیروی محرکه‌ای اجتماعی ایجاد کرده که اثر آن از دانشگاه و سینما تا بازار و شبکه‌های اجتماعی قابل مشاهده است. این نیروی اجتماعی، مبارزه برای آزادی فردی را به مبارزه برای تغییر ساختار سیاسی پیوند زده است. همان گونه که شعار زن، زندگی، آزادی با شعار مرگ بر حکومت اسلامی همراه بود، کسب آزادی‌های اجتماعی در گرو سرنگونی حکومت ارتجاعی و ضدبشری اسلامی و برقراری حکومتی است که شعار رهایی جامعه در گرو رهایی زن است را متحقق کند

جمهوری اسلامی را لرزاند. حتی در میان بویژه نسل‌های جوان افراد وابسته به حکومت هم اعتقاد عملی به حجاب و شیوه زندگی که به مردم دیکته می‌کنند فرو ریخته. گوشه‌ای از سبک زندگی آن‌ها را در کلیپ‌هایی که از مراسم عروسی دختر شمخانی و شیوه زندگی آقازاده‌ها در فضای مجازی منتشر می‌شود می‌توان دید.

در جنبش «زن، زندگی، آزادی»، زنان و دختران جوان نه تنها با برداشتن حجاب و سوزاندن روسری‌ها به کنترل بدن زن و کنترل جامعه نه گفتند بلکه آزادی پوشش را در محدوده‌ای به حکومت تحمیل کردند. برخلاف خواست جمهوری اسلامی و جناح‌های آن که تلاش دارند با شیوه‌های فاشیستی با به روش "اصلاح‌طلبان" با شیوه‌های نرم اوضاع را به عقب برگردانند، اوضاع به قبل از ۱۴۰۱ که برنمی‌گردد.

جنگ ناتمام اسرائیل و جمهوری اسلامی در لبنان

تضعیف شده‌اند. در این میان، تمرکز را بر تجدید سازمان‌دهی حزب‌الله لبنان قرار داده است که در استراتژی هژمونی‌طلبانه منطقه‌ای جمهوری اسلامی و محاصره اسرائیل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حزب‌الله در جریان جنگ سال ۲۰۲۳ با اسرائیل متحمل صدمات و خسارات سنگینی شد. تعدادی از پایگاه‌های نظامی خود را به همراه مناطقی از لبنان از دست داد و ناگزیر به عقب‌نشینی شد. بسیاری از رهبران و فرماندهان نظامی این گروه در نتیجه بمباران‌ها و اقدامات تروریستی رژیم اسرائیل کشته شدند. حملات نظامی اسرائیل در لبنان به مرگ حدود ۵۰۰۰ نفر و هزاران تن زخمی انجامید که تعداد زیادی از آن‌ها اعضا و طرفداران حزب‌الله بوده‌اند. حزب‌الله ناگزیر شد از جنوب رودخانه لیتانی به مناطق شمالی عقب‌نشینی کند. اما برای تجدید سازمان‌دهی خود با موانع و دشواری‌های جدی روبه‌رو شده است. پیش از سرنگونی بشار اسد تمام تجهیزات نظامی، تدارکات جنگی و حتی مالی که اهمیت تعیین کننده‌ای برای حزب‌الله دارند، به‌سادگی توسط جمهوری اسلامی از طریق سوریه تأمین می‌شد. اکنون اما این امکان از دست‌رفته است. این در حالی است که حزب‌الله در مناطق شمال رودخانه لیتانی زیر حملات نظامی مداوم اسرائیل قرار گرفته که فرصت بازسازی را از آن سلب کرده است.

جمهوری اسلامی و حزب‌الله در داخل لبنان نیز با مشکلات جدی رو به رو شده‌اند. کابینه‌ای که در لبنان بر سر کار آمده است نعتها مخالف حزب‌الله و دخالت‌های جمهوری اسلامی در لبنان است، بلکه زیر فشار دولت آمریکا و رژیم اسرائیل برای خلع سلاح این گروه قرار دارد. لذا برای مهار حزب‌الله و جلوگیری از ارسال کمک‌های نظامی و مالی جمهوری اسلامی، نظارت بر کانال‌های مالی و ورود محموله‌های نظامی را در بنادر، فرودگاه‌ها و مرزها تشدید کرده است. این اقدامات نعتها حزب‌الله را از نظر نظامی و تسلیحاتی تحت‌فشار قرار داده، بلکه توان مالی آن را به شدت محدود کرده است. البته دولت آمریکا مدعی است که به‌رغم این محدودیت‌ها، جمهوری اسلامی یک میلیارد دلار به حزب‌الله رسانده و محموله‌های تسلیحاتی نیز از طریق بندر طرابلس منتقل شده‌اند. هرچه باشد، این واقعیت برکسی پوشیده نیست که حزب‌الله نه‌فقط برای تأمین نیازهای تسلیحاتی و هزینه‌های نظامی خود به کمک‌های مالی جمهوری اسلامی وابسته است، بلکه تأمین هزینه شبکه‌های رفاهی مناطق تحت نفوذ خود را در میان شیعیان از طریق کمک‌های مالی جمهوری اسلامی تأمین می‌کند. بنابراین قبل از هر چیز نیاز به پول‌های هنگفت دارد.

جمهوری اسلامی تلاش کرده است از طریق مذاکره با دولت لبنان، موانع ارسال تجهیزات نظامی و کمک مالی به حزب‌الله را برطرف کند. اما نعتها به نتیجه‌ای دست نیافته بلکه بر سر همین مسئله با دولت لبنان نیز درگیری شدیدی

پیدا کرده است.

در مردادماه سال جاری، لاریجانی در جریان ملاقات با رئیس‌جمهوری لبنان تلاش کرد به توافقاتی با این کشور دست یابد، اما این مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت. آنچه مناسبات این دو دولت را به ویژه وخیم‌تر کرد، موضع‌گیری آشکارا مداخله‌جویانه ولایتی، مشاور خامنه‌ای در مورد لبنان بود.

وی در مصاحبه‌ای با سایت تسنیم، با اشاره به ترور هیثم طباطبایی رئیس ستاد و از فرماندهان رد‌مایل حزب‌الله لبنان گفت: "رژیم صهیونیستی با نقض آتش‌بس به همگان ثابت کرد که خلع سلاح حزب‌الله چه تبعاتی برای لبنان خواهد داشت، رژیم صهیونیستی با ترور فرماندهان حزب‌الله لبنان سعی دارد اهداف نامشروع خود را با ایجاد رعب و وحشت در لبنان محقق کند. امروز وجود حزب‌الله از آبنویان برای لبنان ضروری‌تر است. ایران از حزب‌الله و جبهه مقاومت حمایت کرده و خواهد کرد." موضع‌گیری ولایتی موجی از اعتراضات علیه جمهوری اسلامی را در پی داشت.

وزیر خارجه لبنان گفت: "آنچه برای ما مهم‌تر از آبنویان است، حاکمیت، آزادی و استقلال تصمیم‌گیری داخلی‌مان است، به‌دوراز شعارهای ایدئولوژیک و زمینه‌ها و بسترهای منطقه‌ای فرامرزی که کشور ما را ویران کرده و همچنان با سختگیری و لجابت، ما را به‌سوی تباہی سوق می‌دهد."

در پی آن نخست‌وزیر لبنان نیز نه‌فقط به جمهوری اسلامی پاسخ داد بلکه در همان حال با بهانه شکست‌ها و ناتوانی‌های حزب‌الله برای رودروئی با اسرائیل، بر ضرورت خلع سلاح تأکید نمود.

به گزارش سایت العربیه، وی روز پنج‌شنبه ۶ آذر ماه گفت: "این حزب ادعا می‌کند که سلاح‌هایش مانع از تجاوز می‌شود و بازدارندگی به معنای جلوگیری از حمله دشمن است، اما حمله کرد و سلاح‌ها مانع آن نشد. افزون بر این، این سلاح‌ها از رهبران این گروه و مردم لبنان و دارایی‌های آن‌ها محافظت نکرد، همان‌طور که ده‌ها روستای ویران‌شده، گواه آن است. این سلاح‌ها نعتها بازدارندگی و محافظت ایجاد نکرده‌اند بلکه پیروزی را برای غزه به ارمغان نیاورده‌اند." وی سپس بر خلع سلاح حزب‌الله تأکید کرد و گفت:

"ما مهلت‌هایی را برای فرآیند حصر سلاح تعیین کرده‌ایم. مرحله اول که قرار است تا پایان سال به پایان برسد، شامل منطقه جنوب رودخانه لیتانی می‌شود، جایی که سلاح‌ها و زیرساخت‌های نظامی باید از آنجا برچیده شوند. در منطقه شمال لیتانی، اصل مهار سلاح و جلوگیری از انتقال و استفاده از آن‌ها، باید اجرا شود. سپس مراحل بعدی برای کنترل سلاح‌ها در مناطق مختلف دیگر اجرا خواهد شد."

این اظهارنظر نخست‌وزیر لبنان در حالی است که نعیم قاسم، دبیر کل «حزب‌الله»، به‌بصراحت اعلام کرده که حزب‌الله خلع سلاح را نمی‌پذیرد و

آن را موکول به عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی لبنان و بازگرداندن اسرای لبنانی کرده است.

در یک چنین شرایطی، حزب‌الله در وضعیت دشواری قرار گرفته است. توان نظامی پاسخ دادن به عملیات نظامی اسرائیل را به‌رغم وعده دبیر کل حزب‌الله برای گرفتن انتقام ندارد و در همان حال می‌داند که هرگونه پاسخ به اقدامات اسرائیل دقیقاً آن چیزی است که این رژیم در پی آن است تا دامنه عملیات نظامی خود را در درون لبنان به‌ویژه پایگاه‌های مناطق شمالی حزب‌الله گسترش دهد. این را نیز می‌داند که خودداری از تحویل سلاح می‌تواند به جنگ داخلی منجر شود که تنها به نفع اسرائیل خواهد بود. علاوه بر این، جنگ داخلی در شرایطی که اکثریت مردم لبنان مخالف حزب‌الله هستند و این گروه دیگر یک پشت جبهه مستحکمی نیز برای تأمین تسلیحاتی و مالی ندارد، از داخل و خارج زیر ضربات ویرانگری قرار خواهد گرفت. از همین روست که اخیراً اخباری از اختلاف‌نظر بر سر خلع سلاح در درون خود حزب‌الله نیز انتشار یافته که می‌تواند در شرایط شکست و ضعف، واقعی باشد. بنابراین به‌رغم تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی برای بازسازی حزب‌الله در شرایط دشوار کنونی، این تلاش‌ها به نتیجه‌ای نینجامیده است.

در شرایطی که اختلافات درونی گروه‌بندی‌های لبنانی تشدید شده است، رژیم اسرائیل بر دامنه اقدامات نظامی خود در این کشور افزوده است. وزیر دفاع اسرائیل نیز اخیراً گفت تا زمانی که امنیت اسرائیل تضمین نشود و حزب‌الله خلع سلاح نشود، لبنان روی آرامش را نخواهد دید. رژیم اسرائیل که خود را مقید به هیچ توافق، مصوبه، آتش‌بس و قراردادی نمی‌داند، همچنان به مداخله نظامی در سرزمین‌ها و کشورهای همجوار و ترور سران و فرماندهان نظامی گروه‌های مخالف ادامه می‌دهد. در غزه، ظاهراً آتش‌بس برقرار است، اما عملیات نظامی این رژیم نژادپرست در غزه و کرانه باختری ادامه دارد. هم‌روژه مناطقی از سوریه را بمباران می‌کند. در لبنان نیز به‌رغم آتش‌بس، به عملیات نظامی خود از جمله ترور رهبران و فرماندهان حزب‌الله و بمباران مناطق شمال لیتانی ادامه می‌دهد. همچنین در مناطقی از خاک لبنان دیوارهای امنیتی و دفاعی بتونی ایجاد کرده و بخشی از خاک این کشور را به تصرف خود درآورده است. گرچه بعید است حتی با خلع سلاح حزب‌الله، رژیم اسرائیل به تجاوزات نظامی خود در لبنان پایان دهد، همان‌گونه که امروز بدون هرگونه بهانه و تهدیدی از جانب رژیم سوریه به خاک این کشور حمله می‌کند، اما درهرحال، فشارهای داخلی و خارجی که حزب‌الله اکنون با آن روبه‌روست، چنان سنگین‌اند که مشکل بتواند در برابر خلع سلاح مقاومت کند. جمهوری اسلامی هم که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و حیات حزب‌الله داشته، در موقعیتی نیست که بتواند اوضاع را به نفع حزب‌الله تغییر دهد. با تمام این اوصاف، هر جبهتی که تحولات لبنان به خود بگیرد، این واقعیت به‌جای خود باقی خواهد ماند که جنگ ناتمام اسرائیل و جمهوری اسلامی در اشکال مختلف ادامه خواهد یافت. عواقب آن نیز همچنان دامن‌گیر توده‌های مردم ایران خواهد بود.

مرگ آفرینی آلودگی هوا

بسرزائی در آلودگی هوا به ویژه در ماه‌های سردتر سال داشته است. تراکم ذرات ناشی از سوخت مازوت و معلق ماندن آنها، لایه‌ای ایجاد می‌کند که از یک سو موجب غلظت آلاینده‌ها و از سوی دیگر مانع از گردش و جریان هوا می‌شود و دیگر حتی بارش باران نیز چاره ساز نیست چرا که آلاینده‌ها را دگر بار به زمین باز می‌گرداند. مازوت علاوه بر آلودگی شدید هوا، موجب بیماری‌هایی نظیر سرطان، سکنه قلبی، مشکل ریوی و تنفسی و همچنین سقط جنین می‌شود. میلیون‌ها تن از توده‌های کارگر و زحمتکشی که در کارخانه‌ها و یا در جوار مراکز تولیدی و صنعتی زندگی می‌کنند، بطور مضاعف در معرض خطر جانی قرار دارند: هم در معرض مستقیم آلودگی هوا و عواقب بیشمار و مرگبار آن بر جسم و جانشان هستند و هم از داشتن امکانات اولیه و رفاهی، بهداشتی، پزشکی و درمانی محروم‌اند. کار و تردد مداوم در چنین محیط‌هایی به کاهش طول عمر آنها منجر می‌شود. پژوهش‌های علمی آژانس مراقبت سلامت بریتانیا حاکی از آن است که چنانچه فردی در روزهایی که شاخص آلودگی هوا حدود ۱۷۰ - و بالاتر از آن - است روزانه ۱۰ ساعت تردد داشته باشد، به دلیل ورود نامرئی این ذرات به ریه و خون در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد و تداوم این وضعیت، به طور متوسط ۳ تا ۶ سال از طول عمر مفید فرد کم می‌کند. ریزذرات به محض ورود به بدن، بدون ایجاد علائم فوری، ریه، قلب و مغز را فرسوده می‌کنند و قدرت دفاعی سیستم ایمنی را کاهش می‌دهند و به این ترتیب ذره ذره و تدریجی مقدمات مرگ زود رس فراهم می‌شود.

بحران آلودگی هوا، آئینه تمام‌نمایی از وضعیت جامعه‌ای است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارد. حکومتی که با چپاول و غارت ثروت کشور، مردم را به فقر و فلاکت و نیستی کشانده، حق حیات و حق تنفس در هوای سالم را نیز از آنها سلب کرده است. جمهوری اسلامی با این که ناقوس مرگ ناشی از آلودگی هوا منتهاست به صدا در آمده، استفاده از مازوت و سایر آلاینده‌های کشنده را گسترش می‌دهد و بار جانی و مالی آن را بر دوش میلیون‌ها تن از توده‌های کارگر و زحمتکش قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند راه حلی برای حوادث و فجایع زیست محیطی چون نابودی جنگل‌های هیرکانی، یا خشک شدن رودها و سدها و کم آبی داشته باشد. حکومت ورشکسته مرگ‌آفرین جمهوری اسلامی نه تنها راه حلی برای بحران‌ها ندارد بلکه خود بر ابعاد، دامنه و عمق فجایع و بحران‌ها می‌افزاید. مقابله با معضلاتی چون آلودگی هوا که به عوامل و فاکتورهای متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مرتبط‌اند، راحلی ریشه‌ای، مستمر و مسئولانه‌ای را می‌طلبد. تعهد به سلامت، رفاه و بهداشت عمومی جامعه و تعهد به تامین و تضمین منافع توده‌های زحمت و کار و برخورداری آنها از حق حیات و زندگی سالم و با نشاط.



شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

در گرامی‌داشت شانزده آذر، نماد مبارزه با ارتجاع و استبداد

در آستانه روز دانشجو قرار داریم. از شانزده آذر ۱۳۳۲ تا به امروز، بیش از هفت دهه گذشته است. هفتاد و دو سال پیش در چنین روزی دانشجویان دانشگاه تهران در واکنش به سفر نیکسون - معاون اول رئیس جمهوری وقت آمریکا - به ایران به اعتراض برخاستند. سفر نیکسون آنهم سه ماه بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که برای حمایت از رژیم کودتاگر پهلوی دوم به ایران می‌آمد، بیش از هر چیز خشم و نفرت دانشجویان مبارز و انقلابی را برانگیخته بود. خشم برآمده از آمریکا و رژیم کودتایی دست‌نشانده آن، دانشگاه تهران را به سازمان‌دهی اعتراضات وسیع دانشجویی علیه استبداد، ارتجاع داخلی و آمریکا کشانید. خشم انقلابی دانشجویان، روز ۱۶ آذر همانند آتشی فروزان علیه رژیم سلطنتی و حامیان امپریالیست آن در دانشکده فنی دانشگاه تهران زبانه کشید.

رژیم برآمده از کودتا و نیروهای سرکوب‌گرش برای خوش آمدگویی نیکسون و نمایش تثبیت قدرت، دانشجویان معترض را به رگبار بستند. در آن تهاجم وحشیانه، سه دانشجوی مبارز، احمد قندچی، شریعت رضوی و مصطفی بزرگ نیا با شلیک نیروهای سرکوب از پای در آمدند. در پی جان‌باختن این سه دانشجوی انقلابی و به پاس گرامی‌داشت یاد و خاطره ماندگار آنان، روز ۱۶ آذر به عنوان روز دانشجو در حافظه تاریخی دانشجویان و توده‌های مردم ایران ماندگار شد.

ماندگاری این روز تاریخی در حافظه مردم ایران برخاسته از واقعیت عینی مبارزات آزادی خواهانه و ضد استبدادی دانشجویان چپ، انقلابی و رادیکال در دوران رژیم استبدادی پهلوی دوم بود که از آن روز تا به امروز، طی بیش از هفت دهه حقانیت مبارزاتی خود را در ذهنیت توده‌های آگاه جامعه تثبیت کرده است. از این رو جنبش دانشجویی ایران نه تنها در حاکمیت استبدادی نظام پادشاهی گذشته، بلکه در دوران سلطه ارتجاع و استبداد مذهبی جمهوری اسلامی نیز، یکی از سنگ‌های مبارزه علیه ستم و نابرابری بوده است. جنبشی با پایگاه توده‌ای که جمهوری اسلامی به اتکاء پیشینه مبارزات رادیکال و انقلابی‌اش در رژیم گذشته همواره از قدرت‌گیری آن در هراس بوده است. بر بستر همین هراس ارتجاع اسلامی از جنبش دانشجویی بود که خمینی و دیگر حاکمان اسلامی همزمان با سرکوب مردم و سازمان‌های سیاسی، تهاجم به دانشگاه‌ها را نیز در برنامه کار خود قرار دادند. سرکوب و تهاجمی که از آغاز به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، در دانشگاه‌ها کلید خورد و در روزهای اول و دوم اردیبهشت ۵۹ تحت پوشش «انقلاب فرهنگی» به اوج رسید. روزهای خونینی که نیروهای بسیج و سپاه در یورش و وحشیانه به دانشگاه‌های کشور، تعداد زیادی از دانشجویان چپ و انقلابی را کشتار کردند و دانشگاه‌ها را نیز به مدت دو سال بستند. پس از آن، پروسه پاکسازی را آغاز و هزاران استاد و دانشجو کمونیست و مبارز و مترقی را اخراج کردند. پس از دو سال که دانشگاه‌ها مجدداً باز شدند، در پی سیستم گزینشی و سهمیه‌ای، نیروهای بسیج و سپاه و عناصر وابسته به رژیم به کلی دانشگاه‌ها را تسخیر کردند. برای دستکم ده سال دانشگاه حیاط خلوت رژیم شد و جنبش دانشجویی در آن سال‌ها عملاً به محاق رفت. پس از آن نیز به رغم اینکه تا سال‌های نخست دهه هشتاد در سیطره نفوذ «اصلاح‌طلبان» حکومتی بود، باز هم یکی از خونین‌ترین سرکوب‌های خود را در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی در قیام شش روزه تیرماه ۷۸ تجربه کرد. سرکوب‌هایی که در سال‌های ۸۲ تا ۸۵ هم ادامه یافت و بسیاری از دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب در آن سال‌ها، بازداشت، اخراج و «ستارمدار شدند. اما از آنجاکه جنبش دانشجویی ریشه در مبارزات توده‌های مردم ایران داشت، از نیمه دوم دهه هشتاد، جنبش دانشجویی چپ و رادیکال با درس‌گیری از مبارزات دلیرانه دانشجویان در دوران ستم‌شاهی، به‌ویژه با الهام گرفتن از شانزده آذر - روز دانشجو - آرام آرام کمر راست کرد. سال از پی سال قد برکشید، در خیزش انقلابی دیمه ۹۶ با شعار «اصلاح‌طلب اصول‌گرا، دیگه تمام ماجرا»، بند ناف خود را از کل حاکمیت برید و پس از آن، در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در جایگاهی که شایستگی‌اش را داشت، قرار گرفت.

در تمامی این سال‌های سیری شده، هرچه جنبش دانشجویی بیشتر قديرافراشت، یورش به دانشگاه‌ها و سرکوب دانشجویان چپ و انقلابی نیز شدت گرفت. در دوران شکوفایی جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ و ماه‌های پس از آن تا به امروز، هزاران دانشجوی چپ و مبارز و آزادی‌خواه، اخراج، بازداشت و زندانی شده‌اند. استادان زیادی تسویه یا با تحمل بازنشستگی زود هنگام از تدریس در کلاس‌های درس محروم شدند. اما به رغم تمام این ترفندها، سرکوب‌گری‌ها، زندان و بگیر و ببند، از آنجا که جنبش دانشجویی در کلیت خود، ریشه در مبارزات جامعه دارد و عناصر تشکیل دهنده آن از فرزندان همین توده‌های مردم زحمتکش هستند، مبارزات دانشجویی به رغم آفت و خیزهایی که اکنون داشته است، نه تنها رژیم را از دست یابی به پادگانی کردن دانشگاه‌ها باز داشته، بلکه با مقاومت، مبارزه و ایستادگی بر سر مطالبات آزادی خواهانه و برابری طلبانه‌اش، قدم‌های بزرگی را در جهت کسب هویت مبارزاتی‌اش برداشته است. هویتی مستقل که در همراهی و همگامی با مبارزات کارگران و زنان و توده‌های زحمتکش مردم ایران به سهم خود در این مبارزات نقش‌آفرینی داشته است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در گرامی‌داشت روز دانشجو، این روز تاریخی را که روز قديرافراشتن جنبش دانشجویی علیه ارتجاع و استبداد، و روز همیستگی دانشجویان با توده‌های مردم ایران در دفاع از آزادی و برابری است، به عموم دانشجویان، خاصه به دانشجویان چپ و کمونیست و مبارز، و اساتید مترقی شادباش می‌گوید. بدان امید که نه فقط ۱۶ آذر، که تمام ایام تحصیلی، روزهای خروش دانشجویان پاسداری از حریم دانشگاه برای رسیدن به آزادی و برابری باشد.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۵ آذر ۱۴۰۴ - ۲۵ نوامبر ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

مرگ آفرینی آلودگی هوا

آلودگی «قابل قبول» آن کاهش و تعداد روزهای «ناسالم» برای گروه‌های حساس سنی نظیر سالمندان و کودکان ۴۰ درصد افزایش یافته و برای همه گروه‌های سنی ۳ برابر شده است. وی مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا را به چند دسته تقسیم می‌کند: مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا در منازل، صنایع، تولید انرژی‌ها (مانند نیروگاه‌ها)، کشاورزی و منابع انسانی. بیشترین آمار مرگ و میر، ناشی از آلودگی صنایع و تولید انرژی‌اند.

از سوی دیگر، صادق ضیائی‌ان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی وضع هوا تأکید کرده است که پایداری هوا و غلظت آلاینده‌ها در شهرهای بزرگ و صنعتی طی روزها و هفته‌های آینده ادامه می‌یابد، یعنی حتی بارش باران نیز تغییری در وضعیت موجود به وجود نخواهد آورد. موسسه کنترل کیفیت هوای تهران نیز روزهای وخیم‌تری را در دی ماه پیش‌بینی کرده است.

وسعت ابعاد و دامنه این بحران در تهران، استان خوزستان و ۲۲ شهر دیگر نظیر مشهد، کرج، اصفهان، ارومیه و تبریز منجر به تعطیلی مهد کودکها و مراکز پیش دبستانی، فعالیت آنلاین مدارس و دانشگاه‌ها و تعطیل یا دورکاری برخی

ادارات گشت. این بود مجموعه اقدامات حکومت برای مقابله با این بحران مرگبار: تعطیلی و دورکاری. نه از اطلاع رسانی و توصیه‌های لازم خبری هست، نه از کنترل و نظارت بر تردد وسایل نقلیه شخصی آلوده کننده و حمل و نقل عمومی، نه از تعطیل صنایعی که خودعامل بزرگ آلودگی‌اند و نه توقف استفاده از آلاینده‌ها. برعکس! جمهوری اسلامی عملاً و با (افزایش) استفاده از آلاینده‌هایی چون مازوت- یکی از آلاینده‌ترین سوخت‌های فسیلی جهان- موجبات مرگ بیشتر توده‌های مردم را فراهم می‌کند و آگاهانه آنها را در معرض خطر جانی قرار می‌دهد. به گزارش گروه اقتصادی خبرگزاری فارس، «مصرف مازوت در نیروگاه‌های ایران شروع شده و در روز ۲۳ آبان سال جاری به بیش از ۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است. این حجم، نیاز به قطار کردن نفتکش‌هایی به طول ۱۴ کیلومتر را دارد. سال گذشته به دلیل بحران گاز، رکورد مصرف مازوت در ایران شکسته شد. نیروگاه مفتاح، سلیمی و شازند، رکوردداران مصرف مازوت در کشور هستند».

طی سال‌های گذشته استفاده از مازوت نقش

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1147 December 2025



تلویزیون دیموکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دیموکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دیموکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه‌های ما از اول فروردین بدین قرار است:

تلویزیون دیموکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به وقت ایران پخش می‌کند و تکرار این برنامه‌ها در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه‌ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به وقت ایران است. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یک ساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه بازپخش می‌شود. برنامه‌های تلویزیون دیموکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "یاه سات" [Yahsat] پخش می‌شود.

برنامه‌های تلویزیون دیموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دیموکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دیموکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349، اینستاگرام: tv_shora، فیس‌بوک: tvshora، تلگرام: tvshora

شماره واتساپ برای پیام‌های صوتی و نوشتاری

۰۰۳۱-۶۴۴۶۶۴۰۵ (0031644664405)

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون: www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی